

### ویرایش مجدد (۳)

#### سمیه دل‌زنده‌روی

همان‌طور که در شماره‌های پیشین ذکر کردیم هدف از دائرکردن این بخش آن بود که از منظری آموزشی به ویرایش مجدد برخی ترجمه‌های چاپ‌شده بپردازیم. امیدواریم مطالب این ستون مورد توجه مترجمان، ویراستاران و ناشران محترم قرار بگیرد. در این شماره به ویرایش جملائی از مقدمه ترجمه نظریه‌ای در باب اقتباس می‌پردازیم، ترجمه‌ای که در سی‌وششمین دوره جایزه کتاب سال ۱۳۹۷ شایسته تقدیر شناخته شده است.

*A Theory of Adaptation* is one attempt to think through not only this continuing popularity but also the constant critical denigration of the general phenomenon of adaptation—in all its various media incarnations.

نظریه‌ای در باب اقتباس تلاشی برای حلاجی کردن محبوبیت مداوم اقتباس و نیز بررسی تحقیر انتقادی همیشگی این پدیده کلی در همه اشکال مختلف آن در رسانه‌های گوناگون است.

**ویرایش پیشنهادی:** نظریه‌ای در باب اقتباس می‌کوشد به دو سؤال پاسخ بدهد: چرا اقتباس همچنان محبوب است و چرا نسبت به پدیده کلی اقتباس در همه شکل‌های مختلف آن در رسانه‌های گوناگون پیوسته دیدگاه انتقادی تحقیرآمیزی وجود دارد.

**توضیح:** مترجم عبارات اسمی *constant critical* و *continuing popularity* و *denigration* را عیناً به عبارت اسمی «محبوبیت مداوم» و «تحقیر انتقادی همیشگی» ترجمه کرده است. ترجمه این عبارات به عبارات فعلی، به اعتقاد خزاعی‌فر، جمله را «فارسی‌تر» می‌کند. لازم به یادآوری است که در ترجمه این متن بیان روان و دقیق و آشنای اطلاعات یا محتوای کتاب بر حفظ «سبک» نویسنده ارجح است. برای مثال به جای اینکه عین نویسنده بگوییم: نظریه‌ای در باب اقتباس تلاشی است برای تأمل درباره نه فقط ... بلکه

....» در ترجمه این نوع متون، مترجم بیشتر به تغییر بیان و در نتیجه به خلاقیت زبانی بیشتر نیاز دارد.

A second constant has been a perhaps perverse de-hierarchizing impulse, a desire to challenge the explicitly and implicitly negative cultural evaluation of things like postmodernism, parody, and now, adaptation, which are seen as secondary and inferior.

انگیزه دیگر من مقابله با تمایل موجود و تاحدی مخرب سلسله‌مراتبی دیدن آثار است؛ مقابله‌ای که به صورت آشکار یا ضمنی تلقی‌های منفی فرهنگی از پدیده‌هایی مانند پسامدرنیسم، تقلید تمسخرآمیز و در اینجا اقتباس و لحاظ آنها به عنوان آثاری دون‌مایه و درجه‌دور را به چالش می‌کشد.

**ویرایش پیشنهادی:** دغدغه دیگر من این بوده که همیشه نسبت به سلسله‌مراتب حساسیتی شدید بلکه افراطی داشته‌ام. همیشه در پی آن بوده‌ام که آن قضاوت فرهنگی منفی را که صراحتاً یا تلویحاً پدیده‌هایی مثل پسامدرنیسم، هجو و حالا اقتباس را دست‌دوم یا نازل تلقی می‌کند به چالش بکشم.

**توضیح:** مترجم مقصود نویسنده را در نیافته است. اولاً *perverse de-hierarchizing* به خود نویسنده برمی‌گردد نه به دیگران و در نتیجه فاعل «به چالش کشیدن» خود نویسنده است و نه دیگران و نیز *explicitly and implicitly* به کار نویسنده بر نمی‌گردد بلکه به داوری دیگران درباره آثار هنری برمی‌گردد. به طور کلی جمله معنای منطقی روشنی ندارد.

Yet, as we shall see, disparaging opinions on adaptation as a secondary mode—belated and therefore derivative — persist.

باین حال، همان‌گونه که خواهیم دید، نظرات موهن نسبت به اقتباس که آن را به عنوان اثری درجه‌دو، با تأخیر ارائه شده و در نتیجه، برگرفته می‌دانند، هنوز موجود است.

**ویرایش پیشنهادی:** باین حال، چنان‌که خواهیم دید، هنوز هستند کسانی که دیدگاهی تحقیرآمیز نسبت به اقتباس دارند و آن را کاری درجه‌دو، فاقد حُسن تقدم و بنابراین اشتقاقی می‌دانند.

Brian McFarlane in his book, *Novel to Film* (1996: 201), invokes the analogy of close reading of literary texts for this kind of detailed examination of specific works.

برایان مک‌فارلین در کتاب رمان به فیلم (۱۹۹۶: ۲۰۱) نمونه‌ای را از مطالعه دقیق متون ادبی به منظور این نوع از بررسی‌های جزئی آثار خاص ارائه می‌دهد.

**ویرایش پیشنهادی:** برایان مک‌فارلین در کتاب اقتباس فیلم از رمان (۱۹۹۶: ۲۰۱) شیوه خواندن عمیق و دقیق متن ادبی را به بررسی مبسوط موارد خاص اقتباس نیز تعمیم داده است.

**توضیح:** مترجم معنی جمله را نفهمیده و ترجمه‌اش هم مفهوم نیست. احتمالاً علت اشتباه مترجم آن بوده که با اصطلاح *close reading* در نقد ادبی آشنا نبوده است.

There are many and varied motives behind adaptation and few involve faithfulness. Other earlier adaptations may, in fact, be just as important as contexts for some adaptations as any "original."

انگیزه‌های بسیار زیاد و متنوعی در پس اقتباس نهفته است که از این میان تعداد کمی شامل وفاداری می‌شود. در واقع سایر اقتباس‌های پیشین به اندازه متن «اصلی» و بافت اثر برای عمل اقتباس اهمیت دارند.

**ویرایش پیشنهادی:** اقتباس با انگیزه‌های مختلف و متعدد صورت می‌گیرد. کمتر اقتباسی دیده می‌شود که قصدش وفاداری باشد. گاه اقتباس‌های قبلی یک اثر ممکن است به اندازه «اصل» اثر در فراهم آوردن زمینه اقتباس تأثیر داشته باشد.

**توضیح:** *few* معنی منفی دارد، که با «تعداد کمی» مغایر است. تعبیر «اقتباس...» شامل وفاداری می‌شود» تعبیر دقیقی نیست. مترجم معنی عبارت *as important as contexts* را متوجه نشده است.

Our interest piqued, we may actually read or see that so-called original after we have experienced the adaptation, thereby challenging the authority of any notion of priority.

وقتی علاقه‌مان برانگیخته شود، ممکن است پس از تجربه اقتباس به تماشا یا خواندن اثر اصلی بپردازیم؛ در نتیجه اقتدار مفهوم اولویت به چالش کشیده می‌شود.

**ویرایش پیشنهادی:** علاقه‌مان که برانگیخته شد، ممکن است پس از دیدن یا خواندن اثر اقتباس‌شده سراغ به اصطلاح «اصل» اثر برویم و بدین ترتیب تقدم زمانی، هرگونه که تعریف شده باشد، اعتبار خود را از دست می‌دهد.

If this book is not an analysis of specific examples, it is also not an examination of any specific media.

اگر این کتاب به تحلیل نمونه‌های خاص نمی‌پردازد، محدود به بررسی رسانه خاصی نیز نیست.

**ویرایش پیشنهادی:** این کتاب نه به تحلیل نمونه‌های خاص می‌پردازد و نه به تحلیل رسانه‌ای خاص محدود می‌شود.

I do, however, draw upon their insights.

به هر حال، از نقطه‌نظرات این کتاب‌ها در اینجا استفاده شده است.

**ویرایش پیشنهادی:** اما از نقطه‌نظرات این کتاب‌ها در اینجا استفاده شده است.

**توضیح:** مترجم however را به معنی «به هر حال» گرفته است. با توجه به اهمیت این کلمه در برقراری ارتباط منطقی بین اجزای یک جمله یا بین دو جمله، تصور کنید مترجم در سراسر ترجمه به جای however «به هر حال» گذاشته باشد.

It is the very act of adaptation itself that interests me, not necessarily in any specific media or even genre.

انجام اقتباس به خودی خود و نه ضرورتاً رسانه یا نوع ادبی خاصی از آن مورد علاقه من بوده است.

**ویرایش پیشنهادی:** آنچه من به آن علاقه‌مند هستم نفس اقتباس است، و نه ضرورتاً اقتباس در رسانه یا ژانری خاص.

Shifting the focus from particular individual media to the broader context of the three major ways we engage with stories (telling, showing, and interacting with them) allows a series of different concerns to come to the fore.

تغییر تمرکز از رسانه‌هایی خاص به بافت وسیع‌تر سه روش عمده‌ای که ما به کمک آنها با داستان درگیر می‌شویم (گفتن، نشان دادن و تعامل با داستان‌ها)، مجموعه‌ای از ملاحظات متفاوت آثار را برجسته می‌سازد.

**ویرایش پیشنهادی:** اگر توجه خود را به بررسی شیوه بیان در یک رسانه خاص محدود نکنیم، بلکه از منظری کلی‌تر به هر سه شیوه عمده درگیر شدن با داستان (نقل

کردن، نشان‌دادن و انجام کنش متقابل) بنگریم، آنگاه رشته‌ای از مسائل مختلف مطرح می‌شود.

**توضیح:** اولاً مقصود نویسنده در غالب موارد با ترجمه تحت‌اللفظی کلام او منتقل نمی‌شود. ثانیاً، گاه لازم است مترجم برای روشن‌کردن مقصود نویسنده متوسل به تصریح و توضیح بشود چون ترجمه را در نهایت برای خواننده می‌نویسد. ثالثاً، برای تصریح یا توضیح متن مترجم باید بر موضوع متن احاطه داشته باشد و متنی را برای ترجمه انتخاب کند که بدانند از پس آن برمی‌آید. شاید جمله بالا را چندین بار که بخوانیم بتوانیم معنایی از دل آن بیرون بکشیم ولی این کار دیگر اسمش ترجمه نیست. مترجم باید اخلاقاً نقش خود را به عنوان واسطه میان نویسنده و خواننده درست ایفا کند و خواننده را به دردرس نیندازد.

Because this study begins with an account of the “familiarity and contempt” usually visited upon adaptations today, it seems fitting that it should end with some final questions about the manifest appeal of adaptations, now and in the past.

از آنجاکه این کتاب با شرحی از «آشنایی و حقیرشردن» آغاز می‌شود، یعنی حقیرشردنی که معمولاً دامن‌گیر اقتباس شده، به نظر می‌رسد بهتر است که با طرح پرسش‌هایی پایانی درباره‌ی جاذبه‌ی آشکار اقتباس‌ها در حال حاضر و همچنین گذشته به پایان برسد.

**ویرایش پیشنهادی:** کتاب را با این سخن آغاز کردیم که امروزه معمولاً هم ساخت آثار اقتباسی کاری متداول است و هم به چشم تحقیر به چنین آثاری می‌نگرند، پس شاید بد نباشد کتاب را با طرح سؤالاتی درباره‌ی راز محبوبیت آشکار اقتباس در گذشته و حال به پایان ببریم.

A certain level of self-consciousness about—and perhaps even acceptance of—their ubiquity is suggested by the fact that films have been made about the process itself.

سطح خاصی از خودآگاهی — و شاید حتی مقبولیت — در مورد فراگیرشدن اقتباس در این واقعیت مشهود است که فیلم‌هایی درباره‌ی اقتباس ساخته شده است.

**ویرایش پیشنهادی:** ساخت فیلم‌هایی با موضوع اقتباس حاکی از آن است که نسبت به فراگیر بودن اقتباس یا شاید حتی موافقت با آن تاحدی خودآگاهی وجود دارد.

کتاب نظریه اقتباس در حوزه هنر کتاب مهمی است و احتمالاً دلیل آنکه ترجمه آن شایسته تقدیر شناخته شده اهمیت کتاب بوده است. کتاب ارجاعات متعدد به هنرهای مختلف دارد و این فهم کتاب را در جاهایی دشوار می‌کند و لذا انتظار می‌رود که مترجم نسبت به موضوع بحث تاحدی اشراف داشته باشد. در ترجمه چنین آثاری وابستگی لفظ به لفظ به متن نویسنده نه ضرورتی دارد، نه حسنی به حساب می‌آید و نه کمکی به خواننده می‌کند. کاری که ما در ویرایش جملات فوق کردیم این بود که نخست سعی کردیم مقصود نویسنده از هر جمله را دریابیم و سپس آن را به بیانی روشن و روان برای خواننده بازنویسی کنیم.

---

<sup>۱</sup> نویسنده در اینجا با گذاشتن کلمات familiarity and contempt در داخل گیومه نظر به ضرب المثل معروف Familiarity breeds contempt دارد و می‌خواهد با استفاده از دو واژه familiarity و contempt که در ضرب المثل آمده وضعیت اقتباس را توصیف کند و بگوید آنچه این ضرب المثل می‌گوید در مورد اقتباس هم صحت دارد. در صحبت از اقتباس، منظور از familiarity دیدن آثار اقتباسی به طور مداوم و منظور از contempt دل‌زده شدن از آن و به چشم تحقیر به آن نگریستن در نتیجه متداول بودن و مرسوم بودن آن است.